

عنوان	اقدامات ملل متحد در راستای حفاظت و مدیریت ذخایر آبی و افزایش امنیت غذایی
گردآورنده	مهدی شیرازی
بازبینی	علیرضا کیهان پور

از زمانهای بسیار قدیم، ماهیگیری منبع بسیار مهم تامین غذا و درآمد برای مردم و گروههای مرتبط با ماهیگیری به شمار رفته و چنین تصور می شد که ثروت و ذخایر آبی هدیه بی پایان طبیعت است. با این حال با گسترش آگاهی و تحولات شگرف پس از جنگ دوم جهانی این باور تاریخی جای خود را به این حقیقت داد که گرچه ذخایر آبی تجدیدشونده هستند لیکن میزان آن نامحدود نیست و چنانچه بخواهیم نقش آن را در تغذیه و رشد اقتصادی و رفاهی جمعیت روزافزون جهان همچنان پایدار نگاه داریم می بایست مدیریت مناسبی برای حفاظت از این ذخایر طراحی و اعمال نماییم.

ایجاد مفهوم منطقه انحصاری اقتصادی (EEZ) در سال 1982 میلادی طی تدوین کنوانسیون سازمان ملل متحد در زمینه حقوق دریاها، چارچوب بهتری را برای مدیریت منابع دریایی فراهم آورد.

این رژیم جدید قانونی به کشورهای ساحلی، حقوق و مسئولیتهایی برای اعمال مدیریت ذخایر آبی در درون محدوده انحصاری اقتصادی خود ارائه کرد که حدود نود درصد از کل نواحی ماهیگیری دریایی جهان را در بر می گرفت. تعمیم حاکمیت ملی کشورهای ساحلی این طریق، گامی ضروری لیکن ناکافی برای مدیریت موثر و توسعه پایدار شیلاتی محسوب می شد.

بسیاری از کشورهای ساحلی با توجه به عدم تجارب کافی و ذخایر مالی و مادی لازم با مشکلات جدیدی روبرو شدند و لذا درصد برآمدن تا عایدات بیشتری از منطقه انحصاری اقتصادی خود بدست آوردند.

در سالهای اخیر ماهیگیری جهان به بخشی از صنعت غذایی تبدیل شده که دارای رشدی پویا و متکی به عوامل بازار بود و کشورهای ساحلی با انجام سرمایه گذاری در امر ناوگان جدید ماهیگیری و کارخانه های فرآوری سعی کردند با بهره گیری از این موقعیت جدید پاسخگوی رشد فزاینده تقاضا برای مصرف آبیان و فرآورده های آبی باشند. با این حال در اوایل دهه هشتاد میلادی مشخص شد که ذخایر آبی قادر به تحمل چنین توسعه سریع و بهره برداری بی رویه نیست. لذا نیاز شدیدی برای یافتن راههای جدید مدیریت ماهیگیری احساس شد که در بردارنده ملاحظات زیست محیطی و مسئله حفظ ذخایر باشد.

آگاهی از این که صید بی رویه برخی از گونه های دوکاشانه ای و ماهیان مهاجر در خارج و درون محدوده انحصاری اقتصادی صورت می گیرد باعث تشدید این وضع شد و کم کم به صورت یک مسئله نگران کننده و جدی درآمد چرا که ماهیگیری از جمله آبی پروری، منبع حیاتی و مهمی در امر تامین غذا، اشتغال، تفریح، تجارت و رفاه اقتصادی مردم سرتاسر جهان و نیز نسل کنونی و آینده به شمار می رود و از این رو می بایست شیوه مسئولانه ای در قبال آن اتخاذ نمود.

بر اساس اطلاعات سازمان فائو، هفتاد درصد ذخایر طبیعی آبیان جهان یا به طور کامل بهره برداری شده و یا مورد بهره برداری بیش از حد قرار گرفته و یا کاملاً تهی شده و یا به سختی و کندی در حال بازسازی هستند و تنها سی درصد ذخایر جهان هنوز بهره برداری چندانی نشده یا به طور معتدل مورد استفاده قرار گرفته اند که عمدتاً شامل گونه های کم ارزش تجاری هستند.

بر اساس برآوردهای سازمان فائو، جمعیت جهان تا سال 2010 میلادی می بایست به هفت میلیارد نفر بالغ می رسید که برای حفظ سرانه فعلی مصرف ماهی، تولید ماهی خوراکی نیز می بایست به سطح 93 میلیون تن افزایش می یافت، یعنی برای حفظ سرانه فعلی تا سال 2010 میلادی، 19 میلیون تن ماهی برای تامین تقاضای ماهی خوراکی جهان کسری وجود داشته است.

پس چه باید کرد تا سهم فعلی آبریان در تامین غذای مردم جهان در قرن بیست و یکم جهان ثابت بماند؟

پاسخ به این سؤال را باید در لابلای اقداماتی که توسط دولت‌ها در صحن سازمان‌های بین‌المللی و منطقه ای به منظور حفاظت و مدیریت صحیح بر ذخایر آبریز دریاها از طریق مذاکره و انعقاد کنوانسیونها و موافقتنامه های منطقه ای و بین‌المللی صورت پذیرفته جستجو نمود. تدوین و تصویب روزافزون کنوانسیونها و موافقتنامه ها در

یکی دو دهه اخیر در زمینه حفظ محیط زیست دریاها، مدیریت صحیح و بهره برداری اصولی و پایدار منابع جاندار آنها، همگی حکایت از تدوین و توسعه روزافزون حقوق بین الملل دریاها در این زمینه می باشد.

لذا در طول این گزارش سعی می شود تا ضمن بررسی اقدامات ملل متحد در راستای حفاظت از ذخایر آبریز و افزایش امنیت غذایی به تجزیه و تحلیل حقوقی این اقدامات پرداخته و بیشتر به نقش موثر عزم جمعی ملل متحد در این خصوص پی ببریم.

البته بعد از ذکر تاریخچه مختصر تحولات حقوق بین الملل ماهیگیری به ویژه پس از جنگ دوم جهانی و مروری بر محتوای موافقتنامه ها و کنوانسیونهای منعقد در رابطه با حفاظت و مدیریت منابع زنده دریاها، نگاهی هم به اقدامات شیلات ایران در راستای الحاق به کنوانسیونهای فوق‌الاشاره و اجرای مفاد آنها خواهیم داشت. توضیح اینکه برخی از کنوانسیونها و موافقتنامه های بین‌المللی که توسط سازمان ملل متحد و سازمان فائو در راستای حفاظت از منابع دریایی و نیز تدوین و توسعه حقوق دریاها تصویب شده از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، از جمله کنوانسیون 1982 حقوق دریاها، موافقتنامه 1995 در خصوص ماهیان مهاجر و دوکاشانه ای، آیین نامه شیلات مسئولانه و کمیسیون تون ماهیان اقیانوس هند و البته سایر موافقتنامه ها که در گزارش حاضر به اهم این اسناد بین‌المللی می پردازیم.

تاریخچه

حقوق بین الملل ماهیگیری

در سال 1980 میلادی کل صید آبریان در جهان به 64/4 میلیون تن می رسید. 7/6 میلیون تن دیگر نیز در آبهای داخلی صید شده بود. در دوره 52-1948 میزان متوسط صید ماهی دریایی جهان سالانه 19/4 میلیون تن و از 1958 تا 1962، 34 میلیون تن و از 1968 تا 1972، 57/5 میلیون تن بوده است.

بدین ترتیب ، می توان گفت که از زمان جنگ دوم جهانی افزایش سریعی در این زمینه به چشم می خورد. این افزایش اصولاً ناشی از دو عامل بوده است. بهبود تجهیزات فنی از قبیل وسایل الکترونیکی پیچیده مخصوص کشف محل ماهیها و نیز افزایش سرمایه گذاری کشورهای در حال توسعه در امر شیلات و آبیان.

گرچه نرخ رشد صید آبیان در سطح جهان طی سالهای اخیر رو به کاهش گذارده که علت اصلی آن بهره برداری شدید تجاری از اکثر ذخایر مهم آبیان است ولی سازمان فائو برآورد کرده است که با استفاده از روشهای مدیریت صحیح میزان کل صید ماهی را می توان تا سالی صد میلیون افزایش دادو اگرگونه هایی که کمتر شناخته شده اند مثل کریل به صورت قابل بهره برداری تجاری درآیند حتی رقم مزبور را می توان بالاتر برد.

مانند اکثر فعالیتهای اقتصادی در جهان ، صنعت شیلات نیز شاهد عدم مساوات شدیدی بین کشورهای است. بیست کشور عمده ، حدود 80 درصد از کل صید آبیان را به خود اختصاص داده اندو 20 درصد باقیمانده بین 120 کشور ساحلی جهان تقسیم می شود. در بین بیست کشور اصلی صنعت ماهیگیری ، دول پیشرفته جهان از موقعیتی برخوردارند که در مقایسه با صنعت کشتیرانی انحصار کمتری نشان می دهد. به تدریج که کشورهای در حال توسعه سرمایه گذاری خود را در زمینه شیلات افزایش می دهند و تکنولوژی آن را بهبود می بخشند، سهم آنها از حجم صید جهانی افزایش پیدا می کند و حجم صید کشورهای مجهز به ناوگان ماهیگیری دوربرد کاهش می یابد ، مثل کشورهای که اکثر ادرنزدیکی سواحل سایر کشورها ماهیگیری می کنند و بیشترشان جزء کشورهای توسعه یافته هستند . علت این کاهش ، افزایش کنترل کشورهای ساحلی بر ذخایر آبی واقع در محدوده 200 مایلی منطقه انحصاری اقتصادی و منطقه انحصاری ماهیگیری است.

معهدا به دلایل عمدتاً جغرافیایی و زیست شناسی ، همواره تفاوتی زیادی در حجم صید کشورهای وجود خواهد داشت. دلیل اول این است که مناطق دریایی کشورهای ، مثل منطقه انحصاری اقتصادی و منطقه انحصاری ماهیگیری ، دارای عرض متفاوتی هستند و دلیل دوم اینکه ماهیها بیشتر در مناطقی که زئوپلانکتون ها وجود دارند تجمع می کنند. این مناطق عبارتند از آبهای سواحل غربی نیمه حاره در آمریکا و آفریقا ، منطقه واقع در امتداد خط استوا، آبهای معتدل و نیمه قطبی و آبهای کم عمق روی فلات قاره.

مهمترین استفاده آبیان برای تغذیه انسان است. ماهی منبع مهمی برای پروتئین حیوانی است و حدود 20 درصد از کل عرضه جهانی آن را تشکیل می دهد و نیز دارای ویتامین ها و مواد معدنی مهمی است ولی بشر همه آبیان را به مصرف غذایی نمی رساند به طوری که حدود 20 درصد از آبیان صید شده به صورت پودر ماهی یا روغن ماهی و یا کودو غذای حیوانات درمی آید. ماهیهای کوچک مثل سندایل و آنچوتا که به راحتی برای انسان قابل مصرف نیستند معمولاً به مصارف فوق الذکر اختصاص می یابند.

• تقسیم بندی حقوق بین الملل ماهیگیری دریایی

حقوق بین الملل ماهیگیری دریایی به دو مرحله مجزا تقسیم می شود. در دوره اول که تا اواسط دهه 1970 میلادی ادامه داشت ، مناطق دریایی دول ساحلی عموماً باریک بودند و همکاری قابل ملاحظه ای در مدیریت شیلات از طریق کمیسیونهای متعدد به چشم می خورد. دوره دوم از اواسط دهه 1970 میلادی به بعد است که ضمن آن مناطق دریایی دول ساحلی به صورت مناطق انحصاری اقتصادی و ماهیگیری تا 200 مایل افزایش یافت و با

الهام از فعالیتهای و مباحث کنفرانس سوم حقوق دریاها قسمت عمده ذخایر قابل بهره برداری آبیان را دربرگرفت و به صورت عمومی درآمد. از سوی دیگر نقش کمیسیونهای منطقه ای ماهیگیری به طور قابل ملاحظه ای کاهش پیدا کرد. قبل از بررسی دقیق تر هر یک از این مراحل، ضرورت دارد ببینیم مسایل اصلی حقوق بین الملل ماهیگیری چیست یا چه می تواند باشد و به خصوص اهداف مختلف مدیریت ماهیگیری دریایی را بررسی نماییم. اگرچه این مسایل در دریایی تحولات حقوق بین الملل ماهیگیری، قبل از اواسط دهه 1970 میلادی نسبتاً مهم نیستند ولی در فهم مباحث ماهیگیری در خلال کنفرانس سوم حقوق دریاها و نیز مندرجات کنوانسیون 1982 در این زمینه حائز اهمیت اساسی هستند.

تا زمان توسعه علوم جدید شیلات در اواخر قرن نوزدهم، همفکری زیادی با عقیده گروسوس درباره اینکه آبیان یک منبع فنا ناپذیر طبیعی هستند وجود داشت. در حال حاضر عدم صحت این نظر روشن است، اما پیش از سال 1900 میلادی به خاطر حجم اندک صید آبیان، رد این نظرا اهمیت چندانی نداشت.

همراه با توسعه ماهیگیری در قرن بیستم، شناخت در مورد حدود میزان قابل برداشت ذخایر ماهی از اهمیت به سزایی برخوردار شد. اکنون در نتیجه تحقیقات گسترده و نیز به خاطر برخی دلایل، می دانیم که ذخایر آبیان دارای سطح معینی برای صید است و این سطح نقطه تعادل و توازی بین صید و مرگ و میر طبیعی ماهیها همراه با افزایش تعداد آنها بر اثر تولید مثل است. در این سطح که آنرا " حداکثر برداشت پایدار " می نامند، هر سال بدون لطمه زدن به کل ذخیره ماهی صرف نظر از عوامل محیطی که ممکن است موازنه را بر هم بزنند می توان حجم معینی از ماهیان را صید کرد. اگر صید ماهی بیشتر از " حداکثر برداشت پایدار " باشد، ذخایر موجود رو به کاهش می گذارد و دیری نمی باید که میزان صید سقوط می کند. این پدیده را " بهره برداری افراطی " یا " صید بی رویه " می نامند. در عین حال چنانچه حجم ماهیگیری کمتر از حد برداشت پایدار باشد، مقداری از ماهیان قابل صید، بدون لطمه زدن به کل ذخیره موجود در اثر عوارض طبیعی از بین می روند. به همین منظور دسترسی به حجم حداکثر برداشت پایدار، اغلب هدف اساسی " مدیریت ماهیگیری " است گرچه در برخی موارد این امر مورد انتقاد قرار گرفته است.

• حقوق بین الملل ماهیگیری قبل از اواسط دهه 1970 میلادی

دسترسی به منابع: برای درک روش تنظیم منابع ماهیگیری در خلال این دوره توسط حقوق بین الملل بهتر است ابتدا مناطق صلاحیت دول ساحلی و سپس رژیم دریای آزاد را در نظر بگیریم.

آبهای داخلی و دریای سرزمینی: تنها حقی که دولتهای دیگر بر اساس حقوق بین الملل عمومی در این مناطق دارند، حق عبوری ضرر از دریای سرزمینی و در موارد بسیار معدودی از آبهای داخلی است. بنابراین ف نتیجه می گیریم کشورها دارای حق دسترسی انحصاری به ذخایر آبی در آبهای داخلی و دریای سرزمینی خود هستند. با این حال، مواردی ممکن است وجود داشته باشد که کشتیهای دول خارجی حق دسترسی به ذخایر آبی واقع در دریای سرزمینی کشور دیگری را داشته باشند. برای نمونه، این امر در برخی از قراردادها که در سال 1949 میلادی منعقد شده است و به ماهیگیری ایتالیایی حق دسترسی به ماهیان دریای سرزمینی یوگسلاوی را می دهد، مشاهده می شود و نیز طبق برنامه سیاست مشترک ماهیگیری جامعه اقتصادی اروپا برخی از حقوق که استثنائاتی نیز دارد برای کشتیهای ماهیگیری دول عضو جامعه از لحاظ ماهیگیری در آبهای سرزمینی عضو دیگر همسنگ کشتیهای همان کشور پیش بینی شده است.

منطقه انحصاری ماهیگیری : منطقه انحصاری اقتصادی ماهیگیری در حقوق بین الملل دریاها مفهوم نسبتاً جدیدی است. پیش از سال 1985 میلادی معدودی از ادعاها در مورد مناطق انحصاری ماهیگیری بود به خصوص ادعاهای اواخر دهه 1940 و اوایل دهه 1950 ، برخی دول آمریکای لاتین واقع در مجاورت اقیانوس آرام برای محدوده 200 مایلی قابل ذکر است ولی اعلام مناطق انحصاری ماهیگیری اساساً نتیجه شکست کنفرانس اول و دوم حقوق دریاها برای تعیین عرض دریای سرزمینی و یاتعین حقوق ویژه برای دول ساحلی در دسترسی به ذخایر آبی ماورای دریای سرزمینی محسوب می شود. شکست مزبور منجر به صدور اعلامیه یکجانبه توسط دول ساحلی برای منطقه انحصاری ماهیگیری به عرض 12 مایل (و در برخی موارد به عرض بیشتر) و نیز انعقاد قراردادهای دوجانبه به منظور تایید ادعاهای مزبور و نیز اقداماتی در سطح منطقه ای در اروپا برای انعقاد کنوانسیون 1964 ماهیگیری شد. توسعه این رویه چنان به سرعت انجام گرفت که در سال 1974 دیوان بین المللی دادگستری در قضیه صلاحیت ماهیگیری تردیدی برای تایید 12 مایل منطقه انحصاری ماهیگیری به عنوان بخشی از حقوق بین الملل عرفی ، به خود راه نداد.

فلات قاره :

ماده 311 کنوانسیون فلات قاره 1958، که دیوان بین المللی دادگستری در قضیه فلات قاره دریای شمال (1969) تایید کرد و گویای حقوق بین الملل عرفی است، به دولت ساحلی حق دسترسی انحصاری به منابع طبیعی فلات قاره را می دهد. این منابع شامل " موجودات جاندار از دسته بی حرکتها هستند یعنی جاندارانی که در مرحله بهره برداری در روی یا زیر کف دریا بی حرکت هستند و یا جز در تماس دائم فیزیکی یا کف یا زیر کف دریا قادر به حرکت نیستند" (ماده 4 بند 2 کنوانسیون فلات قاره). گرچه این جانوران ساکن به طور آشکار شامل انواع صدفها می شوند ولی اختلافات زیادی در مورد شمول آن بر موجوداتی مثل خرچنگها وجود دارد.

دریای آزاد :

دریای آزاد نمی تواند تحت مالکیت قرار گیرد و برای استفاده همه کشورها آزاد است. بدین ترتیب ، کشتیهای کلیه دول جهان دارای حق دسترسی به ذخایر ماهی آزاد دریای آزاد هستند. معهذاً ، این آزادی به نفع کشورهای است که دارای سرمایه گذاری و تکنولوژی لازم برای استفاده از آن هستند، یعنی کشورهای پیشرفته مجهز به ناوگان دوربرد ماهیگیری.

گرچه دسترسی به منابع ماهی دریای آزاد علی الاصول آزاد و بدون محدودیت است ولی در عمل بسیاری از دولتها بر ترتیباتی برای تنظیم امر ماهیگیری در دریای آزاد توافق نموده اند که این دسترسی را محدود می نماید.

مستند ما مربوط به قضیه صلاحیت ماهیگیری است که دیوان بین المللی دادگستری که مسئله تصمیم گیری در مورد اعتبار افزایش محدوده ماهیگیری ایسلند را در سال 1972 از 12 به 50 مایل در پیش رو داشت نظرداد که طبق حقوق بین الملل عرفی ، دولت ساحلی اگر به طور اساسی برای حیات اقتصادی خود به ماهیگیری در برخی از شرایط معین اتکا داشته باشد، دارای حقوق ممتاز برای دسترسی به منابع ماهیگیری دریای آزاد نزدیک سواحل خود می باشد.

• تحولات بعد از اواسط دهه 1970 :

علیرغم تکامل قابل ملاحظه حقوق بین الملل ماهیگیری تا اوایل دهه 1970، نارضایتی زیادی در مورد نظام ماهیگیری به چشم می خورد. اکثر دولتهای ساحلی در حال توسعه از حضور ناوگان ماهیگیری دوربرد کشورهای پیشرفته که با استفاده از آخرین روشهای تکنولوژی در سواحل آنها مشغول ماهیگیری بودند رضایت نداشتند. حتی اگر آنها برای صید ماهی از آبهای مجاور خود کشتیهای کافی نداشتند باز نمی خواستند که کشورهای پیشرفته بدون پرداخت عوارض و مالیات و بدون هیچگونه منتزلی در آبهای آنها اقدام به صید نمایند و حداقل خواستار دسترسی بیشتر به دانش فنی جدید بودند. در عین حال برخی کشورهای پیشرفته ساحلی نیز از نظام ماهیگیری راضی نبودند، زیرا خواهان دسترسی بیشتر و یا کنترل بیشتر منابع ماهی دور از سواحل بودند و یا به قابلیت کمیسیونهای بین المللی ماهیگیری برای تنظیم موثر فعالیتهای صیادی، با توجه به فشار روز افزون بر منابع که ناشی از گسترش روز افزون تکنولوژی ماهیگیری بود، اطمینان نداشتند. لذا بسیاری از دولتهای ساحلی فرصتی را که ضمن کنفرانس سوم حقوق دریاها پیش آمد غنیمت شمرده و خواستار تجدید نظر اساسی در نظام حقوق بین الملل حاکم بر ماهیگیری شدند. در کمیته زیربستر دریاها و نیز مراحل اولیه کنفرانس سوم حقوق دریاها، سه روش کلی درباره این مسئله وجود داشت :

روش اول - کشورهای در حال توسعه، که بعداً مورد حمایت برخی کشورهای پیشرفته از قبیل استرالیا، کانادا، نیوزیلند و نروژ قرار گرفتند، خواستار صلاحیت گسترده دولت ساحلی بر ماهیگیری بودند و این همان ایده ای بود که در نهایت تکامل یافت و به صورت پیشنهاد ایجاد مناطق انحصاری اقتصادی (EEZ) جلوه گر شد.

روش دوم - ایالات متحده آمریکا و در مراحل اولیه کانادا، خواستار تنظیم سیستم مدیریت ماهیگیری بر اساس خصوصیات مهاجرتی انواع ماهیان بودند و در این روش، ماهیان را به سه دسته تقسیم می کردند: ساکن (کف زی)، ساحلی (یعنی جانوران غیر ساکن که از منابع غنی مجاور سواحل تغذیه می کنند و در این نقاط به سر می برند)، ماهیانی که از رودخانه ها به دریا و یا بالعکس مهاجرت می کنند و نیز ماهیان دوربرد (یا مهاجر در مسیرهای طولانی) . دسترسی و مدیریت سه نوع اول این ماهیان به طور انحصاری و یا اصولی به عهده دولت ساحلی بود و انواع ماهیان دوربرد تحت نظام سازمانهای منطقه ای ماهیگیری قرار می گرفتند.

روش سوم - این روش به طور سنتی متعلق به دو کشور حائز رتبه اول و دوم به لحاظ ماهیگیری دوربرد، یعنی ژاپن و روسیه فدراتیو (شوروی سابق) است . آنها خواستار عدم تغییر جدی وضع موجود بودند و پیشنهاد می کردند که فقط کشورهای در حال توسعه در نزدیکی سواحل خود حق ترجیحی داشته باشند.

مقرر شد در کنوانسیون 1982 حقوق دریاها به طور کلی منعکس کننده روش اول است ولی عناصری از روش دوم نیز در آن به چشم می خورد. تا سال 1976 مقررات مربوط به ماهیگیری در متون پیش نویس کنوانسیون حقوق دریاها دیگر از اهمیت بیشتری برخوردار شده بود و در نتیجه پیش از آن که کنفرانس سوم حقوق دریاها به پایان برسد، عملاً تعداد زیادی از دولتها به نحوی از انحاء ادعای محدوده 200 مایلی منطقه انحصاری اقتصادی (EEZ) یا منطقه انحصاری ماهیگیری را مطرح نموده و به انعقاد قراردادهای دوجانبه و چند جانبه در این زمینه پرداختند. بدین ترتیب، مقررات آن درباره ماهیگیری، اساس و بنیان نظام موجود ماهیگیری دریایی را تشکیل می دهد و باتوجه به رویه بسیاری از دولتها، می توان اغلب مقررات آن را جزئی از حقوق بین الملل عرفی محسوب نمود.

لذا عمده مقررات مربوط به حفاظت از ذخایر آبی در کنوانسیون 1982 حقوق دریاها را ذیل عنوان این کنوانسیون در مقاله حاضر مورد بحث قرار می دهیم.

• سایر تحولات انجام شده توسط سازمان ملل متحد و کارگزاریهای آن :

کمیته شیلاتی سازمان فائو در نوزدهمین نشست خود در ماه مارس 1991 خواستار ایجاد مفاهیم جدیدی شد که منجر به صید مسئولانه و پایدار شود. در نتیجه کنفرانس بین المللی در خصوص ماهیگیری مسئولانه در سال 1992 در کانکون (مکزیک) برگزار شد که هدف از آن، پیگیری درخواست سازمان فائو برای مقابله با این مشکلات از طریق تدوین آیین نامه اجرایی بین المللی بود. پیامد این کنفرانس به ویژه اعلامیه کانکون، سهم به سزایی در برگزاری کنفرانس 1992 سازمان ملل متحد در زمینه محیط زیست و توسعه (UNCED) به ویژه دستورالعمل 21 آن داشت. متعاقب آن کنفرانس دیگر سازمان ملل در خصوص بررسی وضعیت ذخایر ماهیان مهاجر و ماهیان دوکاشانه ای برگزار شد که سازمان فائو در برگزاری آن کمکهای فنی فراوانی ارائه نمود. در نوامبر 1993 و در بیست و یکمین کنفرانس فائو، موافقتنامه مربوط به "افزایش میزان رعایت قوانین بین المللی مدیریت و حفاظت از ذخایر توسط شناورهای ماهیگیری" به تصویب رسید.

باتوجه به این نکات و دیگر تحولات مهم در عرصه ماهیگیری جهان، شورای حاکمه سازمان فائو خواستار تدوین آیین نامه جامع ماهیگیری مسئولانه گردید که با همگام با این اقدامات، به گونه ای قانونی، اصول و معیارهای قابل استفاده برای حفاظت، مدیریت و توسعه تمامی واحدهای شیلاتی رافراهم آورد.

این آیین نامه که در تاریخ 31 اکتبر 1995 به اتفاق در کنفرانس سازمان فائو به تصویب رسید، چارچوبی قانونی لازم برای اتخاذ اقدامات و تدابیر ملی و بین المللی برای تضمین بهره برداری پایدار از ذخایر زنده آبی و سازگار با محیط زیست را در اختیار قرار می دهد.

سازمان فائو طبق تعهدات کاری خود، در کمک به کشورهای عضو به ویژه کشورهای در حال توسعه و نیز در اجرای مفاد آیین نامه اجرایی ماهیگیری مسئولانه، کاملاً مصمم است و گزارش پیشرفت کار و اقدامات اتخاذ شده را در اختیار جوامع ملل متحد قرار خواهد داد.

" کنوانسیون 1982 سازمان ملل متحد در زمینه حقوق دریاها "

کنوانسیون 1982 سازمان ملل متحد در زمینه حقوق دریاها در سومین کنفرانس حقوق دریاها با شرکت نمایندگان قریب به یکصد و پنجاه دولت تهیه و تدوین گردید. این کنوانسیون که از آن به عنوان " منشور دریاها " نام برده می شود دارای 320 ماده و 9 ضمیمه است که در تاریخ 10 دسامبر 1982 میلادی در مونته گوبی جامائیکا به همراه یک سند نهایی مشتمل بر چهار قطعنامه و یک بیانیه مورد پذیرش قرار گرفت و 158 دولت از جمله دولت جمهوری اسلامی ایران این کنوانسیون را امضا نمودند. لازم به یادآوری است که دولت جمهوری اسلامی ایران به هنگام امضای کنوانسیون مزبور مبادرت به صدور اعلامیه تفسیری در این زمینه نموده است.

کنوانسیون حقوق دریاها اساسی ترین اقدام جامعه بین المللی در راستای " تدوین و توسعه حقوق بین الملل " محسوب می شود و هیچ بخشی از حقوق بین الملل مانند حقوق دریاها دستخوش چنین تغییرات و تحولات گسترده ای نبوده است. این کنوانسیون که در فاصله سالهای 1973 لغایت 1982 میلادی پس از قریب یک دهه تلاش تهیه و تدوین گردید، نه تنها به گردآوری بخشهایی از مقررات حقوق دریاها پرداخته که در سال 1958 در قالب چهارکنوانسیون جداگانه در رابطه با موضوعات دریای آزاد ، دریای سرزمینی و منطقه مجاور ، فلات قاره و ماهیگیری و حفظ منابع زنده تدوین گردیده بود بلکه آن دسته از موضوعات و مسائلی را که در زمان تدوین کنوانسیونهای چهارگانه فوق مورد بررسی و توافق قرار گرفته و یا اساسا مطرح نبوده را نیز تحت پوشش قرار داد و در قالب کنوانسیون جهانی تنظیم و تدوین نمود.

- هدف کنوانسیون :

در واقع هدف اساسی از تدوین کنوانسیون حقوق دریاها ، حل و فصل مهمترین مسایل مربوط به دریاها از جمله برقراری رژیم حقوقی عام در رابطه با مناطق دریایی ، جایگزین ساختن توافقاتی مبتنی بر اجماع به جای ادعاهای یکجانبه بر مناطق دریایی و تدبیر طرق رفع اختلافات در خصوص مسایل حقوق دریاها بود.

- مفاد کنوانسیون :

کنوانسیون مذکور در رای پانزده بخش است که مهمترین مباحث جدید آن به شرح زیر می باشد :

- تنگه های مورد استفاده کشتیرانی بین المللی
- کشورهای مجمع الجزایری
- منطقه انحصاری اقتصادی (EEZ)
- رژیم حقوقی جزایر
- دریاهای بسته و نیمه بسته

- حق دسترسی کشورهای محاط در خشکی به دریا و آزادی ترانزیت
 - حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی
 - تحقیقات علمی دریایی
 - توسعه و انتقال فن آوری دریایی
 - روشهای حل و فصل اختلافات
 - شناسایی منابع واقع در ماورای مناطق تحت صلاحیت دولتهای ساحلی به عنوان میراث مشترک بشریت و بهره برداری از آن به نفع جامعه بین المللی به ویژه کشورهای درحال توسعه
- توضیح اینکه مقررات مربوط به حفاظت و مدیریت منابع جاندار در منطقه انحصاری اقتصادی و دریای آزاد به ترتیب در قسمتهای پنجم و هفتم کنوانسیون 1982 ملل متحد در زمینه حقوق دریاها درج شده است که متعاقبا مقررات مزبور تشریح می شود.

کنوانسیون حقوق دریاها در تاریخ 16 نوامبر 1994 میلادی پس از انقضای 12 ماه از تاریخ تودیع شصتیمین سند تصویب، لازم الاجرا شد و درحال حاضر 132 دولت عضو این کنوانسیون هستند و به لحاظ اهمیت آن حتی به سازمانهای منطقه ای که در زمینه مسایل مطروحه در کنوانسیون از اختیاراتی برخوردارند نیز اجازه عضویت داده شده که در نتیجه اتحادیه اروپایی از چنین مزیتی برخوردار شده و به عضویت کنوانسیون درآمده است.

شایان ذکر است که مجمع عمومی ملل متحد در تاریخ 28 ژوئیه 1994 طی قطعنامه شماره 48/263 موافقتنامه مربوط به اجرای فصل یازده کنوانسیون حقوق دریاها را به تصویب رسانیده که این امر حاصل تلاش و مشورتهای دبیر کل سازمان ملل متحد برای جلب نظر کشورهای غربی و نهایتا تضمین جهانشمولی کنوانسیون حقوق دریاها می باشد. ضمنا این موافقتنامه که درخصوص بهره برداری از منابع بستر و اعماق اقیانوسها و ترتیبات سرمایه گذاری در این منطقه است به همراه کنوانسیون حقوق دریاها به منزله یک سند واحد تفسیر و به مورد اجرا گذاشته می شود و در صورت اختلاف بین متون مذکور، مقررات موافقتنامه حاکم خواهد بود. به علاوه پس از تاریخ 28 ژوئیه 1994، هرگونه تصویب با الحاق به کنوانسیون حقوق دریاها به منزله التزام به مفاد موافقتنامه مذکور می باشد.

" بررسی مقررات ماهیگیری در کنوانسیون 1982"

- فصل پنجم کنوانسیون :

عمده مقررات مربوط به ماهیگیری در سند کنوانسیون 1982 حقوق دریاها را ضمن مواد ناظر بر امور منطقه انحصاری اقتصادی (EEZ) می توان مشاهده نمود.

مواد 55 تا 75 از فصل پنجم کنوانسیون مربوط به منطقه انحصاری اقتصادی است که ذیل این عنوان، مسایل مربوط به EEZ و حقوق دولتها در این منطقه و حفاظت از منابع جاندار و سایر مسایل مورد بحث قرار گرفته است.

همانطور که قبلا اشاره شد مفهوم EEZ یکی از دستاوردهای کنوانسیون 1982 حقوق دریاها می باشد و این مفهوم جدید حقوقی به عنوان **قاعده عرفی حقوق بین الملل شناسایی** شد.

ماده 55 در تعریف منطقه انحصاری اقتصادی می گوید :

" منطقه انحصاری اقتصادی ، منطقه ای در دریای سرزمینی و مجاور آن است که تابع رژیم حقوقی خاصی است که در این قسمت وضع شده است و به موجب آن مقررات مربوط این کنوانسیون بر حقوق و صلاحیت دولت ساحلی و حقوق و آزادیهای سایر دولتها در آن منطقه حاکم خواهد بود. "

پذیرش بین المللی مناطق انحصاری اقتصادی به عرض 200 مایل ، حدود بیش از 90 درصد ذخایر قابل بهره برداری تجاری ماهیان را در سراسر جهان در برمی گیرد. به همین منظور نظام این منطقه دارای اهمیت بارزی برای مدیریت صحیح منابع ماهی در ریاهاست.

ماده 56 بند 1 ، به حقوق ، صلاحیت و تکالیف دولت ساحلی در منطقه انحصاری اقتصادی اشاره کرده و اشعار می دارد:

" در داخل منطقه انحصاری اقتصادی ، دولت ساحلی دارای حقوق حاکمیت در موارد اکتشاف ، استخراج و حفاظت و مدیریت ذخایر آبی است . "

این حقوق در عین حال مشروط به تکالیفی است.

مواد 61 و 62 کنوانسیون به تشریح تکالیف مذکور پرداخته که به شرح زیر می باشد:

ماده 61 بند 3 : " دولت ساحلی باید اقدامات لازم از لحاظ حفاظت و مدیریت را برای حصول اطمینان از اینکه ذخایر ماهی در منطقه انحصاری اقتصادی در اثر بهره برداری بی رویه به خطر نیفتد و نیز حفظ شود اتخاذ کند تا به " سطح حداکثر برداشت پایدار " با توجه به عوامل زیست محیطی و اقتصادی ذیربط و نیز با عنایت به روشهای ماهیگیری ، وابستگی متقابل ذخایر ماهی و حداقل استانداردهای عموماً پذیرفته شده بین المللی اعم از استانداردهای خرده منطقه ای یا جهانی برسد.

به این منظور دولت ساحلی باید هدف دستیابی به " حجم قابل بهره برداری " منابع زنده انحصاری اقتصادی را تعقیب نماید.

ماده 62 بند 2 : " چنانچه ماهیگیری دولت ساحلی قادر به صید تمامی " حجم صید مجاز " نباشند، دولت ساحلی به ماهیگیران سایر دولتها اجازه بدهد که از مازاد حجم صید ماهی ماهیگیران خود تا " حجم صید مجاز " استفاده کنند.

ماده 62 بند 3 : " گرچه دولت ساحلی دارای اختیار گسترده ای از لحاظ تصمیم گیری در مورد اینکه کدام دولت ثالثی می تواند در صید مازاد ذخایر منطقه شرکت نماید ، می باشد " ولی تعهدی بر عهده این دولتها گذاشته شده است که تقدم را به کشورهای محصور در خشکی و کشورهای که به لحاظ جغرافیایی در شرایط نامطلوبی قرار دارند و در همان منطقه هستند ، بدهد.

ماده 62 بند 4 و ماده 73 کنوانسیون 1982 : اگر به ماهیگیران دولت ساحلی ثالثی اجازه دسترسی به مازاد فوق الذکر داده شود ، دولت ساحلی می تواند شرایط ماهیگیری را تعیین و اعمال کند . این شرایط می تواند مثلا شامل درخواست کسب مجوز توسط ماهیگیران خارجی ، رعایت تدابیر حفاظتی دولت ساحلی ، اجرای برنامه های تحقیقاتی ، فرستادن تمام یا قسمتی از صید به سواحل دولت ساحلی و یا آموزش پرسنل دولت ساحلی باشد .

تا سال 1982 حدود 55 دولت مدعی محدوده 200 مایل دریایی برای منطقه انحصاری اقتصادی شدند و حدود 20 دولت دیگر مناطق انحصاری ماهیگیری به عرض 200 مایل برای خود قائل شدند . اینها علاوه بر دولتهایی هستند که مدعی عرض دریای سرزمینی به میزان 200 مایل می باشند . قسمت عمده قوانین این دولتها در امور دریایی ، مطابق با مقررات کنوانسیون 1982 حقوق دریاهاست . بیش از 100 قرارداد دوجانبه برای دسترسی کشتیهای ماهیگیری خارجی به مناطق 200 مایلی دولتها ، تاکنون امضا شده است . اساس این قراردادها نیز مطابق با کنوانسیون 1982 می باشد .

ماده 63 کنوانسیون 1982 : البته ماهیها همیشه در منطقه انحصاری اقتصادی دولت واحدی نمی مانند . در مواردی که ذخایر ماهی بین دو منطقه انحصاری اقتصادی و یا مابین منطقه انحصاری اقتصادی و دریای آزاد مهاجرت می کنند ، دولتهای ذینفع به طور کلی موظف هستند که در مدیریت امور همکاری کنند .

این همکاری موضوع چندین قرارداد دوجانبه و منطقه ای است . برای نمونه ، نروژ و جامعه اقتصادی اروپا چندین قرارداد سالانه برای تعیین حجم صید مجاز انواع ذخایر ماهی و تقسیم آن بین اعضا و دول ثالث ذینفع و نیز تعیین اقدامات حفاظتی ، امضا کرده اند . قواعد مذکور در مورد ماهیانی که بین دریا و رودخانه مهاجرت می کنند و جانداران ساکن و نیز انواع جانداران مهاجر در مسیرهای طولانی و پستانداران دریایی متفاوت است . در مورد اول ، یعنی جاندارانی مثل ماهی آزاد که در آبهای شیرین تخمگذاری می کنند و لی قسمت عمده حیات خود را در دریا می گذرانند ، کشوری که در رودخانه های آن تخمگذاری صورت می گیرد علی الاصول مسئول مدیریت آنهاست .

ماده 66 کنوانسیون 1982: صید ماهیهای مهاجر رودپایه یا آندروم در ماورای محدوده 200 مایلی ممنوع است مگر در مواردی که این کار منجر به " دگرگونی اقتصادی " برای کشوری غیر از کشور مبدا آنها شود .

این مقررات حداقل در یک قرارداد منطقه ای منعکس شده است که کنوانسیون 1982 حفاظت ماهی آزاد در اقیانوس اطلس شمالی است . کنوانسیون مزبور ، صید ماهی آزاد در دریای آزاد را منع می کند و حتی در محدوده 200 مایلی بسیاری از مناطق ماورای 12 مایل ماهیگیری را ممنوع اعلام می کند .

ماده 67 کنوانسیون 1982: در مورد ماهیان مهاجر که در دریا تخمگذاری ولی در آبهای شیرین زندگی می کنند (کاتادروم یا ماهیان مهاجر دریای پایه) ، مثل مارماهی ، قواعد عمومی حاکم بر ماهیگیری در منطقه انحصاری اقتصادی اعمال می شود ولی تعهدی نیز بر عهده دولت ساحلی که اینگونه ماهیان از منطقه انحصاری اقتصادی آن شروع به مهاجرت می کنند گذاشته شده است . این کشور باید در مدیریت امور ماهیان با کشوری که ماهیهای مزبور ، قسمت عمده دوره حیات خود را در آن سپری می کنند همکاری کند و در عین حال مسئول کلی مدیریت برای جانداران مزبور باشد . صید ماهیهای مهاجر رودپایه در دریای آزاد ممنوع است .

ماده 68 : جانداران ساکن بستر دریا بخشی از منابع طبیعی فلات قاره دولت ساحلی محسوب می شوند و دولت ساحلی هیچ تعهدی در قبال جامعه بین المللی ندارد که اقدامات حفاظتی یا مدیریتی اتخاذ کند و یاراهی برای استفاده ماهیگیران خارجی باز کند .

ماده 64 : در مورد ماهیان مهاجر در مسیرهای طولانی مثل تون ماهیان ، دولت ساحلی اقدامات معمول مربوط به مدیریت منابع آبزیان را به عمل خواهد آورد .

ماده 65 : در مورد پستانداران دریایی ، دولت ساحلی حق دارد که بهره برداری از آنها را محدود یا ممنوع کند مثل نهنگ و شیردریایی.

- فصل هفتم کنوانسیون:

ماده 87 و نیز ماده 116 : گرچه قسمت عمده ذخایر ماهی جهان در محدوده 200 مایلی ساحل است ، کنوانسیون 1982 مقرراتی برای ماهیهای دریای آزاد نیز دارد . علی الاصول در این ناحیه ماهیگیری برای همه دولتها آزاد است ولی فقط باید محدودیتهای مربوط به برخی از انواع ماهیها را رعایت کنند.

مواد 117 تا 120 کنوانسیون برای ماهیگیری و وظیفه ای بر عهده کشور های ذینفع در این منطقه می گذارد که در مدیریت و حفاظت منابع ماهیان دریای آزاد همکاری کنند و در موارد مقتضی از سازمانهای مدیریت ماهیگیری منطقه ای استفاده کنند.

ماده 117 : کلیه دولتها موظفند تدابیری را که برای حفظ منابع جاندار دریای آزاد ضرورت دارد در مورد اتباعشان به عمل آورده یا با دولتهای دیگر در اتخاذ چنین تدابیری همکاری نمایند.

ماده 118 : دولتها در حفظ و مدیریت منابع جاندار دریا های آزاد با یکدیگر همکاری خواهند کرد و به این منظور به نحو مقتضی برای ایجاد سازمانهای مدیریت ماهیگیری منطقه ای یا زیر منطقه ای همکاری خواهند نمود .

ماده 119 : حفاظت از منابع جاندار دریای آزاد طبق این ماده به عهده دولتهای ذیربط گذاشته شده و آنها ضمن ضرورت اتخاذ تمهیدات لازم برای حفظ و احیای گونه های ابزی و وظیفه دارند تا با یکدیگر به تبادل آمار و اطلاعات بپردازند.

در مورد پستانداران دریایی نیز طبق ماده 120 کنوانسیون 1982 ، ماده 65 در قبال حفاظت و مدیریت پستانداران دریایی در دریای آزاد نیز اعمال خواهد شد.

به هر حال ، فصول پنجم و هفتم کنوانسیون 1982 حقوق دریاها عمدتاً به مسایل مربوط به حفاظت و مدیریت ذخایر آبزی پرداخته که از نظر تان گذشت.

در بخش بعدی به بررسی موافقتنامه 1995 حفاظت و مدیریت ذخایر ماهیان مهاجر بزرگ و دو کاشانه ای خواهیم پرداخت .

بخش دوم

موافقتنامه 1995 حفاظت و مدیریت ذخایر ماهیان دوکاشانه ای و مهاجر بزرگ " "

در تاریخ چهارم اوت 1995 میلادی کنفرانس ملل متحد راجع به ماهیانی که در داخل و ماورای مناطق انحصاری اقتصادی تردد می کنند با اجماع، تفاهمی را به منظور اجرای ترتیبات کنوانسیون 1982 حقوق دریاها در زمینه حفاظت و مدیریت این ذخایر به تصویب رساند. این تفاهم حاصل 12 هفته مذاکره در قالب شش اجلاس این کنفرانس است که به دعوت مجمع عمومی ملل متحد از سال 1993 فعالیت خود را شروع کرد.

- سابقه و علل برپایی کنفرانس :

در طول سومین کنفرانس حقوق دریاها دولتهایی که در نزدیکی سواحلشان منابع زنده غنی یافت می شود بر این باور بودند که تنه راه برای جلوگیری از صید بی رویه توسط ناوگانهای بزرگ صیادی و جلوگیری از ضایع شدن این منابع گسترش حوزه صلاحیت دولت ساحلی در آبهای مجاور است. متأسفانه ایجاد مناطق انحصاری اقتصادی در طول دهه هفتاد میلادی و تحقق این مفهوم جدید حقوقی توسط کنوانسیون حقوق دریاها نتوانست پاسخگوی انتظارات دولتهای ساحلی باشد.

از آغاز دهه 90 میلادی حجم صید جهانی روبه کاهش گذاشت. افزایش توان صید دولتهای در حال توسعه به دنبال سرمایه گذاریهای فراوانی که انجام گرفت و ممنوعیت صید توسط کشتیهای دیگر دول در مناطق انحصاری اقتصادی ناوگانهای بزرگ ماهیگیری را بر آن داشت که فعالیتهای خود را در دریای آزاد در مجاورت این مناطق متمرکز کنند. نتیجه عملی این تحولات صید بیش از حد و بی رویه ای است که به منظور استهلاک هر چه سریعتر سرمایه گذاریها انجام می شود و نسل برخی از ماهیان به ویژه ماهیان دوکاشانه ای و مهاجر بزرگ را به صورت جدی به مخاطره می اندازد.

به منظور مقابله با این وضعیت دولتهای ساحلی فعالیتهای دیپلماتیک گسترده ای را از آغاز دهه 90 میلادی تدارک دیدند که منجر به طرح مسئله به صورت مستمر در مجامع بین المللی از جمله کنفرانس ملل متحد برای محیط زیست و توسعه در ریودوژانیرو در سال 1992 میلادی شد. فصل 17 طرح اجرایی مصوب این کنفرانس برای قرن 21 موسوم به " دستور کار 21 " که به استفاده پایدار و حفاظت از منابع جانهدار دریای آزاد اختصاص داده شده از مجمع عمومی ملل متحد می خواهد که کنفرانسی به منظور اجرای موثر ترتیبات کنوانسیون حقوق دریاها در خصوص ماهیان دوکاشانه ای و مهاجر بزرگ و بررسی شیوه های گسترش همکاری بین المللی در امر صید تشکیل دهد.

با دعوت مجمع عمومی ملل متحد اولین اجلاس این کنفرانس به منظور فراهم نمودن مقدمات مذاکرات از 19 لغایت 23 آوریل 1993 در نیویورک تشکیل شد. در دومین اجلاس که از 12 الی 30 ژوئیه مجدداً در نیویورک برپا شد دولتها با شرکت در بحث عمومی مواضع خود را رسماً اعلام نمودند.

به طور کلی دولتهای ساحلی بر این عقیده بودند که از " حق ترجیحی " در حمایت از منابع جاندار در ماورای مناطق انحصاری اقتصادی خود برخوردار می باشند و می توانند بر این اساس اقداماتی را برای مقابله با کشتیهایی که به صورت بی رویه و بدون در نظر گرفتن مقررات موجود اقدام به صید می نمایند تدارک ببینند. در مقابل دولتهایی که

دارای ناوگانهای بزرگ صیادی می باشند با تاکید بر ضرورت حمایت این منابع معتقدند که مسئولیت حسن اجرای مقررات و ترتیبات صید کماکان می بایست به عهده دولت صاحب پرچم باشد.

در خاتمه این اجلاس آقای ناندان رئیس کنفرانس با در نظر گرفتن مواضع اعلام شده و طرحهای متعددی که توسط دولتهای ذینفع ارائه شده بود اقدام به تنظیم متنی نمود که مبنای مذاکرات در اجلاسهای بعدی کنفرانس قرار گرفت و نهایتاً بعد از تغییرات و جرح و تعدیل در اغلب مواد آن در آخرین روز اجلاس ششم تحت عنوان " تفاهم به منظور اجرای ترتیبات کنوانسیون 10 دسامبر 1982 میلادی در خصوص حفاظت و مدیریت ماهیانی که در مناطق انحصاری اقتصادی و ماورای این مناطق تردد می کنند و ماهیان مهاجر " به تصویب رسید.

این تفاهم یا موافقتنامه مشتمل بر یک مقدمه 50 ماده و دو ضمیمه می باشد که مهمترین مواد آن به اختصار در بخش حاضر مورد بررسی قرار می گیرد.

" بررسی مفاد موافقتنامه 1995 ذخایر مهاجر بزرگ و دوکاشانه ای "

- مقدمه

مقدمه تفاهم بر اعتقاد دولتهای عضو بر ضرورت حل مشکلات شناسایی شده توسط طرح اجرایی کنفرانس ریو در دریای آزاد تاکید دارد. این مشکلات عبارتند از :

- 1- فقدان مقررات صید در مناطقی از دریای آزاد 2- افزایش سریع و بیش از حد تناژ ناوگان صیادی مجهز به ابزارهای پیشرفته صید 3- تغییر پرچمهای کشتیهای ماهیگیری و توسل به پرچمهای مصلحتی برای فرار از مقررات 4- تمایل روز افزون ناوگانهای بزرگ صیادی به صید اختصاصی به ویژه ماهیان دوکاشانه ای از جمله انواع تون ماهیان و ماهیان مهاجر 5- کمبود اطلاعات درباره آبیان و شرایط زیست برخی از ذخایر ماهی 6- عدم همکاری کافی دولتها در ترمور مربوط به صید به منظور رفع نابسامانیهای موجود در امر صید در دریای آزاد.

ضمناً این موافقتنامه ترتیباتی را در راستای حسن اجرای مفاد کنوانسیون 1982 و نیز حفاظت از ماهیان مهاجر و دوکاشانه ای در چارچوب سازمانهای مدیریت ماهیگیری منطقه ای پیش بینی می کند و دولتها را ملزم می نماید که برای رفع اختلافات خود به ترتیبات قسمت 15 کنوانسیون متوسل شوند.

اول - ترتیبات موافقتنامه در راستای حسن اجرای کنوانسیون حقوق دریاها

باتوجه به اینکه طرح اجرایی ریو و قطعنامه مجمع عمومی ملل متحد بر ضرورت انطباق ترتیبات موافقتنامه با کنوانسیون حقوق دریاها تاکید دارد این موافقتنامه همانند کنوانسیون مسئولیت نظارت بر حسن اجرای مقررات حاکم بر فعالیتهای صیادی در دریای آزاد را به دولت صاحب پرچم دولت ساحلی و دولت صاحب بندرواگذار می کند و صرفا مبادرت به ایجاد مقرراتی در خصوص نحوه اعمال صلاحیتهای دولتهای یادشده می نماید. بدین ترتیب در این خصوص موافقتنامه عملا در حکم " آیین نامه اجرایی کنوانسیون " می باشد.

الف - مسئولیت دولت صاحب پرچم

مواد 18 و 19 موافقتنامه 1995 منطبق با ماده 94 کنوانسیون 1982 ، وظایف و مسئولیتهای دول صاحب پرچم کشتیهای ماهیگیری را تعیین می کند.

طبق ماده 18 ، تنها در صورتی دولتها مبادرت به صدور مجوز صید در دریای آزاد خواهند نمود که :

- 1- توانایی نظارت مستمر بر فعالیت کشتیهای ماهیگیری حامل پرچم خود را داشته باشند.
- 2- از موقعیت کشتیهای خود دقیقا اطلاع داشته باشند.
- 3- اطمینان داشته باشند که ابزار و وسایل صید مورد استفاده ، منطبق با استانداردهای بین المللی پذیرفته شده برای صید هر یک از انواع ماهی مورد صید باشد.
- 4- بر صید انجام شده نظارت نمایند.
- 5- صیادان خود را برای همکاری با پلیس دریایی آموزش دهند.

ماده 19 به وظایف دول صاحب پرچم در صورت نقض مقررات صیادی اختصاص دارد و به موارد زیر اشاره می نماید:

- 1- به محض وصول گزارش در خصوص نقض مقررات صید توسط دول دیگر ، دولتها یا مسئولین سازمانهای منطقه ای ماهیگیری تحقیقات همه جانبه را شروع کنند، مثلا کشتی ماهیگیری مورد اتهام را دقیقا بازرسی نمایند.
- 2- دولت و سازمان شاکی را در جریان امور قرار دهند.
- 3- ز ادامه فعالیت صیادی کشتی خاطی جلوگیری نمایند.
- 4- تحقیقات و اقدامات قضایی را سریعاً انجام دهند.

ب - اختیارات دولت ساحلی

از آنجا که ماهیان مهاجر وابستگی زیادی به خاطر تخم‌ریزی در رودخانه‌ها به دولتهای ساحلی دارند لذا تنظیم‌کنندگان کنوانسیون 1982 را برآن داشت که برای دولت ساحلی در امر حفاظت از ذخایر ماهیان مهاجر بزرگ و دوکاشانه‌ای در دریاهاى آزاد حقوقى قائل شوند. البته کنوانسیون از اعطای حق ترجیحی به دول ساحلی خودداری نموده است.

بند ب ماده 166 کنوانسیون ، صریحا به حقوق دولت ساحلی اشاره می نماید. طبق این ماده ، بهره برداری از ذخایر در دریای آزاد منوط به : **1- در نظر گرفتن حقوق و وظایف دولت ساحلی ، 2- همکاری با دولت ساحلی ،** می باشد. با وجود این دول ساحلی از این ماده تفسیر موسع نموده و برای خود حق ترجیحی قائل شده و در سالهای اخیر مبادرت به قانونگذاری در این زمینه نموده اند.

اما ترتیبات پیش بینی شده در موافقتنامه 1995 چه بود ؟

ماده 21 موافقتنامه تا حدی خواسته های دولت ساحلی را برآورده می نماید یعنی در قسمتهایی از دریای آزاد که تحت پوشش سازمانهای مدیریت منطقه ای ماهیگیری است ، دولتهای عضو سازمان مجاز خواهند بود که از طریق بازرسان خود کشتیهای ماهیگیری حامل پرچم دولتهای عضو موافقتنامه را به منظور حصول اطمینان از اجرای موثر مقررات صید تقش نمایند. این بازرسی نیز تابع مقررات سازمان ذیصلاح خواهد بود. ضمنا چگونگی توسل به زور صرفا در صورت به مخاطره افتادن امنیت بازرسان است و یا به خاطر اینکه بازرسان نتوانند به وظایف خود بدرستی عمل نمایند. البته در اینگونه موارد باید به اصل تناسب توجه کرد یعنی استفاده از زور باید متناسب با هدف دنبال شده و هرگز فراتر از آن چه که معقول به نظر می رسد نباشد.

ج – تمهیدات دولت صاحب بندر

ماده 23 موافقتنامه ملهم از ماده 218 کنوانسیون حقوق دریاهاست که به دولت صاحب بندر اختیاراتی به منظور حمایت از محیط زیست و رویارویی با کشتیهایی که اقدام به آلودگی دریا نموده اند واگذار می کند.

ماده 23 تفاهم ، دولت صاحب بندر را ملزم می کند که اقدامات لازم را به منظور تضمین اجرای موثر مقررات صید اتخاذ نماید. بدین منظور مقامات بندری می توانند اسناد و مدارک کشتیهای ماهیگیری ، ابزار و ادوات صید مورد استفاده و نیز ماهیان صید شده را مورد بررسی قرار دهند و در صورتی که ثابت شود صید بی رویه یا غیر مجاز بوده از تخلیه محموله کشتی جلوگیری نمایند.

دوم – نقش سازمانهای منطقه ای مدیریت ماهیگیری در حفاظت از ماهیان دوکاشانه ای و مهاجر بزرگ

این نقش به صورت سازماندهی همکاریهای بین المللی در امر حفاظت از ماهیان دوکاشانه ای و مهاجر بزرگ می باشد و مواد 8 تا 14 موافقتنامه به این امر اختصاص دارد. برای شرکت کنندگان در مذاکرات کنفرانس دو مسئله از اهمیت زیادی برخوردار بود که به شکل زیر می باشد :

الف - صلاحیت و اختیارات سازمانهای منطقه ای مدیریت ماهیگیری

مشکل مطروحه در کنفرانس ، نحوه همسان سازی و برابری ترتیبات حفاظتی حاکم در مناطق انحصاری اقتصادی و مقررات ناظر بر فعالیتهای صیادی در دریای آزاد بود.

در اینجا نیز دو دسته دیدگاه مطرح بود . **دول ساحلی** بر این عقیده بودند که ترتیبات مقرر در مناطق تحت صلاحیت ملی باید به مناطق دریای آزاد مجاور تسری پیدا کند در صورتی که **دول صاحب ناوگانهای بزرگ ماهیگیری** اصرار داشتند که این مقررات توسط سازمانهای منطقه ای و برای کل حوزه مهاجرت اینگونه ذخایر وضع شود.

ماده 10 تفاهم ، اختیارات و صلاحیتهایی را که دولت ها می توانند احتمالاً به سازمانهای منطقه ای مدیریت ماهیگیری اعطای نمایند فهرست کرده که از جمله این ها عبارتند از تعیین حجم قابل صید در منطقه ، جمع آوری و اشاعه اطلاعات مربوط به ذخایر ماهی موجود در منطقه و تعیین و اجرای مقررات به منظور حمایت از منابع جاندار منطقه.

ب - نحوه عضویت در سازمانهای منطقه ای مدیریت ماهیگیری

بر اساس **ماده 8 بند 3 موافقتنامه** ، دولتهایی که کشتیهای حامل پرچمشان از این منابع بهره برداری می کنند موظف خواهند بود که عضویت این سازمان را بپذیرند. معهداً موافقتنامه ، عضویت در سازمان را محدود به دولتهایی می نماید که دارای **منافع واقعی** در امر صید این ذخایر در منطقه مورد نظر باشند.

ماده 8 بند 4 موافقتنامه نیز صریحاً بهره برداری از این منابع را محدود به کشتیهایی می کند که حامل پرچم دولتهای عضو سازمان باشند.

به عبارت دیگر در اینگونه موارد، **آزادی صید** در دریای آزاد به صورت جدی محدود خواهد شد که این امر در تضاد با **ماده 116** کنوانسیون 1982 می باشد.

سوم - ترتیبات موافقتنامه در خصوص حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات

اختلافات ناشی از تفسیر و یا اجرای موافقتنامه با توسل به ترتیبات قسمت پانزدهم کنوانسیون 1982 ، اعم از اینکه دولتهای طرف اختلاف به کنوانسیون ملحق شده باشند یا خیر ، حل و فصل خواهد شد.

براساس ماده 287 کنوانسیون ، دولتها موظفند در زمان الحاق با صدور اعلامیه کتبی ، یک یا چند مرجع حل اختلاف که اقدام به صدور رای لازم الاجرا برای اصحاب دعوا می کنند انتخاب نمایند.

مراجع مورد نظر عبارتند از : 1- دادگاه بین المللی حقوق دریاها (بر اساس ضمیمه 6 کنوانسیون) ، 2- دیوان بین المللی دادگستری ، 3- دادگاه داورى (براساس ضمیمه 7 کنوانسیون) ، 4- دادگاه داورى اختصاصی (براساس ضمیمه 8 کنوانسیون) .

موازین حل اختلاف عبارتند از : 1- ترتیبات کنوانسیون 1982 حقوق دریاها و موافقتنامه 1995 ، 2- مقررات مربوط به حفاظت از منابع جاندار دریا ، 3- دیگر قواعد بین المللی که در تضاد با کنوانسیون نباشد.

درخاتمه لازم به ذکر است که دولتهای دارای ناوگانهای بزرگ با الحاق به این موافقتنامه چندان موافق نبودند ولی بسیج افکار عمومی توسط سازمانهای غیردولتی از جمله صلح سبز در جهت ضرورت حفظ منابع جاندار دریاها باعث گردیده که دولتهای فوق به سختی بتوانند ترتیبات موافقتنامه را نادیده گرفته و کماکان به صید بی رویه بپردازند.

ازسوی دیگر ماده 17 موافقتنامه براین نکته تاکید دارد که دولتهای غیر عضو ملزم به همکاری درزمینه حفاظت از ذخایر ماهیان دوکاشانه ای و مهاجر بزرگ می باشند. لذا به نظر می رسد برای شرکت کنندگان درکنفرانس ، همکاری در امر حفاظت از این منابع به نحوی از هم اکنون مبنای عرفی پیدا کرده است.

بخش سوم

" آیین نامه شیلات مسئولانه "

معرفی

ماه‌گیری ، از جمله آبی پروری ، منبع حیاتی و مهمی در امر تامین غذا، اشتغال ، تفریح ، تجارت و رفاه اقتصادی مردم سرتاسر جهان و نیز نسل کنونی و آینده به شمار می رود و از این رو می بایست شیوه مسئولانه ای در قبال آن اتخاذ نمود.

آیین نامه شیلات مسئولانه سازمان فائو مصوب 1995 میلادی به منظور حفظ موثر ، مدیریت و توسعه ذخایر زنده آبی، اقدام به ایجاد اصول و معیارهای رفتاری بین المللی می نماید که تعیین کننده رویه مسئولانه ای در قبال ذخایر آبی است و توجه خاصی نیز به اکوسیستم و تنوع زیستی آبی مبذول می دارد. آیین نامه نسبت به اهمیت غذایی ، اقتصادی، زیست محیطی و فرهنگی واقف است و منافع تمامی دست اندرکاران واحدهای شیلاتی را در نظر می گیرد. همچنین ویژگیهای زیست شناختی ذخایر و محیط زیست آنها و نیز علایق مصرف کنندگان و سایر گروههای استفاده کننده را مد نظر قرار می دهد. از تمامی کشورها و گروههای دست اندرکار ماهیگیری درخواست می شود از آیین نامه پیروی نموده و مفاد آنرا به اجرا در آورند.

بررسی اهم مفاد آیین نامه

ماده 1 - ماهیت و محدوده

آیین نامه دارای ماهیت اختیاری است لیکن برخی از قسمتهای آن بر اساس قوانین مربوط به حقوق بین الملل ، شامل کنوانسیون 1982 حقوق دریاها تدوین شده است.

آیین نامه دارای طیف گسترده جهانی است و مبین اصول و معیارهای قابل اجرا در امر حفظ، مدیریت و توسعه شیلات است. در این آیین نامه ، اصطلاح کشورها ، شامل جامعه اروپا در محدوده صلاحیت آن می باشد و عبارت شیلات ، هم در مفهوم ماهیگیری و هم به معنی آبی پروری اتخاذ شده است.

ماده 2- اهداف آیین نامه

الف - ایجاد اصولی منطبق با قوانین مرتبط با حقوق بین الملل ، در امر ماهیگیری مسئولانه و سایر فعالیتهای شیلاتی با در نظر گرفتن تمامی جنبه های زیست شناختی، تکنولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و تجاری آن.

ب - ارائه معیار اجرایی برای کمک به کشورها در ایجاد و بهبود چارچوب سازمانی و قانونی مورد نیاز در امر شیلات مسئولانه و انجام اقدامات مناسب و ضروری.

ج - ارائه رهنمودهایی که در در هنگام مقتضی در امر تدوین و اجرای موافقتنامه های بین المللی و سایر توافقات اختیاری و اجباری قابل استفاده باشد.

د - افزایش سهم کمک شیلات در تامین امنیت و کیفیت غذا با در اولویت قرار دادن مسئله رفع نیازهای غذایی جوامع محلی.

ه - افزایش میزان تجارت آبیان و فراورده های آبی منطبق با قوانین بین المللی و اجتناب از به کارگیری اقداماتی که موانع پنهانی برای این قبیل از امور تجاری فراهم می نمایند.

ماده 3- ارتباط با سایر قوانین بین المللی

این آیین نامه می بایست با توجه به موازین قانونی حقوق بین الملل و منعکس در کنوانسیون 1982 حقوق دریاهای تعبیر و به مورد اجرا درآید.

هیچ بخشی از این آیین نامه نسبت به حقوق ، حاکمیت و وظایف کشورهای تحت پوشش حقوق بین الملل ، مشروحه در کنوانسیون 1982 ، لطمه ای وارد نمی سازد.

ماده 6 - اصول کلی

6-1- کشورها و استفاده کنندگان از ذخایر زنده آبی بایستی در حفظ اکوسیستم آبیان بکوشند. حق ماهیگیری در بردارنده تعهدی در انجام مسئولانه آن و متضمن حفظ و مدیریت موثر ذخایر زنده آبی می باشد.

6-2- مدیریت ماهیگیری می بایست بمنظور افزایش امنیت غذایی ، کاهش فقر و توسعه پایدار ماهیگیری برای نسل حاضر و آتی ، در راستای افزایش کیفی و حفظ تنوع زیستی و میزان ذخایر آبی تلاش نماید.

6-3- کشورها باید مانع از صید بی رویه و به کارگیری بیش از حد از ظرفیت و توان ماهیگیری شده و می بایست برای انطباق تلاشهای صیادی با ظرفیت بازدهی ذخایر آبی و بهره برداری پایدار از آنها، به اتخاذ اقدامات موثر حفظ و مدیریت ماهیگیری بپردازند.

6-4- برداشت ، جابجایی ، فراوری ، توزیع آبیان و محصولات آبی باید به گونه ای باشد که متضمن ارزش غذایی و کیفیت محصولات بوده و میزان ضایعات و تاثیرات منفی بر محیط زیست را به حداقل برساند.

6-5- کشورها باید اطمینان حاصل کنند که منافع ماهیگیری و بخصوص ذخایر آبی به هنگام تدوین سیاستها و برنامه های توسعه مد نظر قرار می گیرد.

6-6- کشورها باید در چارچوب اختیارات خود و طبق قوانین بین المللی و نیز در چارچوب اقدامات سازمانهای منطقه ای و زیرمنطقه ای ، نسبت به رعایت و اجرای تدابیر و اقدامات حفاظت و مدیریت ذخایر اطمینان حاصل نموده و مکانیزم موثری برای نظارت و کنترل فعالیتهای شناورهای و شناورهای کمی ایجاد نمایند.

6-7- کشورها باید در محدوده اختیارات خود بر طبق قوانین بین المللی ، از طریق سازمانهای منطقه ای مدیریت شیلاتی و یا دیگر توافقنامه ها و قراردادهای بین المللی در خصوص انجام اقدامات و تدابیر مدیریتی حفظ ذخایر آبی ، در سطح زیرمنطقه ای ، منطقه ای و جهانی با یکدیگر به همکاری بپردازند و بایستی ضامن ماهیگیری مسئولانه و حفظ و حراست موثر آبزیان در محدوده فعالیت خود باشند و نسبت به ضرورت اتخاذ اقدامات مناسب در درون و بیرون محدوده حاکمیت خود، واقف باشند.

6-8- تجارت بین المللی آبزیان و محصولات آبی می بایست منطبق با اصول، مقررات و تعهدات شناخته شده در سازمان تجارت جهانی و سایر موافقتنامه های بین المللی صورت گرفته و کشورهای می باید تلاش نمایند که سیاستها، برنامه ها و رویه اجرایی آنها در عرصه تجارت آبزیان و محصولات شیلاتی منجر به ایجاد مانعی در راه تجارت نگردد و تاثیر مخربی از لحاظ زیست محیطی ، اجتماعی و تغذیه ای به وجود نیارد.

6-9- کشورها باید برای جلوگیری از بروز اختلاف با یکدیگر همکاری نمایند. تمامی اختلافات مربوط به کارها و فعالیتهای ماهیگیری می بایستی با صرف وقت کافی و به شیوه مسالمت آمیز و مطابق با موافقتنامه های بین المللی قابل اجرا و یا بر اساس شیوه مورد توافق طرفین حل و فصل شوند.

ماده 8 - فعالیتهای صیادی

ذیل ماده فوق به وظایف تمامی کشورها، وظایف کشورهای صاحب پرچم و وظایف کشورهای صاحب بندر و سایر موارد اشاره شده است. از جمله اینکه :

8-1- کشورها باید اطمینان حاصل نمایند که تنها فعالیتهای صیادی مورد اجازه آنها در آبهای تحت حاکمیت ایشان و به شیوه مسئولانه صورت پذیرد.

8-2- کشورها باید به صورت جداگانه و یا با همکاری با سایر کشورها و یا سازمانهای بین المللی مربوطه در راستای یکپارچه سازی فعالیتهای صیادی با تجسس و نجات دریایی با فعالیتهای صیادی تلاش نمایند.

8-3- کشورها با همکاری سازمانهای بین المللی مربوطه ، باید از طریق تحصیل و آموزش تمامی دست اندرکاران امور صیادی، سعی نمایند اطلاعات لازم را در مورد مهمترین بخشهای مربوط به آیین نامه و مفاد دیگر توافقنامه های بین المللی و نیز معیارهای قابل اجرای زیست محیطی و مهم در فعالیتهای صید مسئولانه را به آنها انتقال دهند.

8-4- کشورها باید به ثبت شناورهای صیادی که مجاز به انجام فعالیتهای صیادی با پرچم آنها هستند اقدام نمایند و کشورهای صاحب پرچم بایستی اطمینان حاصل نمایند که هیچیک از شناورهای صیادی با پرچم آنها در آبهای آزاد و یادر مناطق تحت حاکمیت کشورهای دیگر به ماهیگیری نپردازند.

8-5- شناورهای صیادی مجاز به صید در آبهای آزاد یا تحت حاکمیت کشوری جدای از کشور صاحب پرچم می بایست طبق سیستم هلامتگذاری متحدالشکل بین المللی علامتگذاری شوند و ابزارهای صیادی نیز می بایست بر طبق قنون اساسی کشور و مطابق با سیستم علامتگذاری قابل تشخیص بین المللی و یکنواختی علامتگذاری شود به طوری که صاحب ابزار ماهیگیری مشخص شود.

8-6- کشورهای صاحب پرچم طبق الزامات امنیتی مناسب شناورهای ماهیگیری و ماهیگیریا ، می باید متضمن رعایت پیروی از مفاد کنوانسیونهای بین المللی و آیین نامه های اجرایی پذیرفته شده در سطح بین المللی باشد.

8-7- کشورهای صاحب بندر بایستی بر اساس شیوه مشخص شده در قانون اساسی خود و مطابق با حقوق بین الملل ، اقدامات لازم را برای یاری رساندن به کشورها در راستای نیل به اهداف این نظامنامه به انجام رسانند و همچنین در هنگام حضور اختیاری شناور صیادی در بندر و یا پایانه دور از ساحل در کشور صاحب بندر ، کمکهای لازم را در اختیار کشورهای صاحب پرچم قرار دهد.

ماده 9 - توسعه آبی پروری

اهم مطالبی که ذیل ماده 9 می توان به آنها اشاره نمود عبارتند از :

9-1- کشورها باید به ایجاد ، حفظ و توسعه چارچوب قانونی و اجرایی مناسبی بپردازند که تسهیل کننده توسعه آبی پروری مسئولانه باشد.

9-2- کشورها بایستی اکوسیستم ذخایر مشترک آبیان را با آبی پروری مسئولانه در محدوده حاکمیت خود و همکاری در توسعه آبی پروری پایدار تقویت و پشتیبانی نمایند.

9-3- کشورها باید با احترام متقابل به همسایگان و بر طبق حقوق بین الملل ، تضمین لازم برای انتخاب مسئولانه گونه های پرورشی ، مکان یابی و مدیریت فعالیتهای آبی پروری که بر اکوسیستم تاثیر خواهد گذاشت را ارائه نمایند.

9-4- کشورها بایستی از طریق مدیریت صحیح نسبت به حفظ تنوع ژنتیکی و یکپارچگی جمعیت آبیان و اکوسیستم دریایی اقدام نمایند.

9-5- کشورها باید در امر تهیه ، تدوین و اجرای آیین نامه های اجرایی بین المللی و اصول اجرایی مربوطه به ارائه و انتخاب آبیان به همکاری بپردازند.

ماده 11- عملکردهای پس از برداشت محصول و تجارت آبیان

11-1- کشورها باید حداقل معیارهای کیفی و امنیتی را تدوین نمایند و به گسترش معیارهای کیفی مورد توافق سازمان فائو ، سازمان بهداشت جهانی (کمیسیون کدکس محصولات غذایی) و دیگر سازمانها و تشکیلات مربوطه بپردازند.

11-2- کشورها با در نظر گرفتن شیوه های مختلف تولید ، باید از طریق همکاری و تسهیل و توسعه امور مربوط به انتقال صحیح تکنولوژی ، اطمینان حاصل نمایند که شیوه های فرآوری ، حمل و نقل و نگهداری محصول با اصول حفظ محیط زیست سازگاری دارد.

** در زمینه تجارت بین المللی مسئولانه ، آیین نامه شیلات مسئولانه ذیل ماده 11 به شرح مقرراتی پرداخته که مهمترین آنها عبارتند از :

11-3- مفاد این آیین نامه اجرایی باید با توجه به اصول ، قوانین و تعهدات مصرحه در سازمان تجارت جهانی تفسیر و اجرا گردد. (WTO)

11-4- کشورها باید تضمین نمایند که اقدامات موثر بر تجارت آبیان و محصولات شیلاتی واضح و روشن بوده و در هنگام اجرا بر پایه شواهد علمی و منطبق با قوانین پذیرفته شده بین المللی استوار باشد.

11-5- کشورها بایستی طبق اصول ، قوانین و تعهدات مشخص شده در توافقنامه سازمان تجارت جهانی به آزادی بیشتر تجارت آبیان و محصولات شیلاتی بپردازند و موانع و اختلالات موجود در راه تجارت را از قبیل عوارض مالیاتی ، سهمیه ها و موانع غیر تعرفه ای حذف نمایند.

11-6- کشورها ، موسسات کمک کننده ، بانکهای توسعه چندجانبه و سایر سازمانهای بین المللی باید اطمینان حاصل نمایند که اصول اجرایی و سیاستهای مربوط به ارتقای سطح تجارت بین المللی آبیان و صادرات آنها منجر به تخریب محیط زیست و وارد آمدن تاثیر نامطلوب بر حقوق غذایی و نیازهای مردمی نگردد.

بنابراین همانطور که ملاحظه می شود با توجه به نقش ارزشمند ماهیگیری در امنیت غذایی جهانی ، توسعه اقتصادی اجتماعی و نیز لزوم پایداری ذخایر آبی و محیط زیست برای نسل حال و آتی ، سازمان فائو در سال 1995 میلادی مبادرت به تدوین آیین نامه ماهیگیری مسئولانه نموده و کلیه امور مربوط به فعالیتهای ماهیگیری اعم از صید ، آبی پروری ، تحقیقات ، مدیریت مناطق ساحلی ، تجارت بین المللی آبیان و سایر موارد را در آن لحاظ نموده است که با این اوصاف آیین نامه ای بسیار جامع و فراگیر می باشد.

بخش چهارم

"موافقتنامه تاسیس کمیسیون تون ماهیان اقیانوس هند"

- مقدمه

همانطور که در کنوانسیون 1982 حقوق دریاها و موافقتنامه 1995 ملل متحد در زمینه حفاظت و مدیریت ذخایر دوکاشانه ای و مهاجر بزرگ ملاحظه گردید، مقرر شد که سازمان فائو بمنظور حفظ و مدیریت صحیح بر ذخایر آبی و نیز حفاظت از منافع کشورهای ساحلی و کشورهای صاحب پرچم اقدام به تاسیس سازمانهای منطقه ای مدیریت ماهیگیری در مناطق مختلف دنیا بنماید. کمیسیون تون ماهیان اقیانوس هند از جمله این سازمانهاست که توسط فائو در منطقه اقیانوس هند تاسیس شد و البته برخی کشورهای توسعه یافته غربی نیز مبادرت به عضویت در آن نمودند. البته مشابه این کمیسیون در سایر مناطق دریایی و اقیانوسها نیز توسط سازمان فائو تاسیس شده که با توجه به اهمیت منطقه اقیانوس هند و ذخایر آبی موجود در آن یعنی تون ماهیان و نیز وابستگی جمهوری اسلامی ایران به این ذخایر و عضویت آن در کمیسیون تون ماهیان اقیانوس هند به طور خلاصه در این بخش این موضوع را مورد بررسی قرار می دهیم.

- ماده 1 ، اهداف

اهداف مورد نظر سازمان فائو از تاسیس کمیسیون تون ماهیان اقیانوس هند ، در درجه اول حفاظت از ذخایر تون ماهیان و بهره برداری پایدار و منطقی از ذخایر ماهی تون و در درجه دوم ، ضرورت همکاری مشترک کشورهای ساحلی اقیانوس هند و کشورهای دارای ناوگانهای صید تون ماهیان به منظور استفاده مسالمت آمیز از دریاها و اقیانوسها می باشد.

- ماده 2 ، حوزه صلاحیت

حوزه صلاحیت کمیسیون تون ماهیان اقیانوس هند شامل مناطق 51 و 57 طبق نقشه های سازمان فائو و نیز دریاها و مجاور قاره قطب جنوب می باشد.

- ماده 4 ، عضویت

عضویت در این کمیسیون برای تمامی اعضای سازمان فائو و اعضای غیر اصلی آن آزاد می باشد. در ضمن به منظور پیشبرد اهداف این موافقتنامه و برای تشویق دیگر کشورها و سازمانهای همکاری اقتصادی منطقه ای که در شرف پیوستن به این کمیسیون هستند لیکن هنوز عضو آن نشده اند ، اعضای کمیسیون با همکاری یکدیگر تلاش خواهند نمود تا موافقت آنها را در پیوستن به این موافقتنامه جلب نمایند.

- ماده 6 ، جلسات کمیسیون

هر یک از اعضای کمیسیون باید با یک نماینده واحد در جلسات شرکت نماید که یک عضو جانشین ، کارشناسان و یا مشاورین نیز می توانند اورا همراهی نمایند. هر عضو کمیسیون از یک رای برخوردار است و تصمیمات و توصیه های کمیسیون جز در مواردی که غیر از این عنوان گردد می بایست با اکثریت آرائ تصویب شود. کمیسیون می تواند در صورت لزوم قوانین اجرایی خود را با دو سوم حداکثر اعضای خود مورد تصویب و یا اصلاح قرار دهد. این قوانین نمی بایست با مفاد این موافقتنامه یا با اساسنامه سازمان فائو مغایرت داشته باشد.

- ماده 8 ، مسایل اداری و مالی

دبیر کمیسیون توسط مدیر کل فائو و با تاکید کمیسیون و یا مابین اجلاس منظم کمیسیون و با تاکید اعضای کمیسیون انتخاب می شود. کارکنان دبیرخانه کمیسیون توسط دبیر انتخاب می شوند و تحت نظارت مستقیم وی خواهند بود. دبیر ، مسئول اجرای سیاستها و فعالیتهای کمیسیون خواهد بود و می بایست به کمیسیون گزارش دهد.

مخارج کمیسیون نیز از محل بودجه مستقل آن پرداخت خواهد شد به جز مخارجی که می باید توسط سازمان فائو پرداخت شود. هزینه های نمایندگان و مشاورین به هنگام حضور در جلسات کمیسیون به عهده دول متبوع آنها خواهد بود.

- ماده 11 ، اطلاع رسانی

طبق ماده یازده اعضای کمیسیون بنا به درخواست کمیسیون ، اطلاعات قابل حصول و موجود و نیز سایر داده ها و اطلاعات آماری مربوط به ماهیگیری را از کشورهای فعال در زمینه صیادی و یا گروههای غیر عضو کمیسیون تهیه نمایند و نسخه ای از قوانین خود که مربوط به امر حفاظت و مدیریت ذخایر تحت پوشش این موافقتنامه است را در اختیار کمیسیون قرار دهند و کمیسیون را نسبت به اصلاحات یا ابطال قوانین ، مقررات و دستورالعملهای اداری مطلع خواهد نمود.

- ماده 15 ، همکاری با سایر سازمانها

کمیسیون تون ماهیان اقیانوس هند با دیگر سازمانهای بین الدولی و موسسات به ویژه سازمانهای فعال در زمینه ماهیگیری که به صید تون اشتغال دارند به همکاری و اتخاذ تدابیر مناسب خواهد پرداخت.

- ماده 16، حقوق کشورهای ساحلی

این توافقنامه مطابق با حقوق بین الملل دریاها در خصوص اکتشاف ، بهره برداری ، حفظ و مدیریت ذخایر زنده شامل گونه های مهاجر بزرگ ، هیچگونه خدشه ای برحق حاکمیت کشورهای ساحلی در محدوده 200 مایلی تحت حاکمیت آنها وارد نخواهد ساخت.

- ماده 17 ، پذیرش

پذیرش این موافقتنامه توسط یک عضو یا عضو غیر اصلی سازمان فائو با تسلیم سند پذیرش به مدیرکل فائو اعتبار خواهد یافت.

- ماده 22، خاتمه

اگر در نتیجه انصراف ، تعداد اعضای کمیسیون به کمتر از 10 عضو کاهش یابد این موافقتنامه خودبه خود خاتمه خواهد یافت مگر اینکه اعضا تصمیم دیگری اتخاذ نمایند.

- ماده 23، تفسیر و حل و فصل اختلافات

هر اختلافی درخصوص تفسیر و یا نحوه اجرای این موافقتنامه در صورت عدم حل و فصل توسط کمیسیون ، برای رفع اختلاف به مجمع حل اختلاف و آیین مصالحه مصوب کمیسیون ارجاع خواهد شد . نتایج این مجمع ، اگرچه دارای حالت الزام آور نیست لیکن اساس تجدید نظر تمامی اعضای ذیربط در خصوص موضوعی خواهد بود که منشا اختلاف نظر بوده است. چنانچه این روند ، تاثیری در حل اختلاف نداشته باشد طبق اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری به دیوان مذکور ارجاع خواهد شد مگر آنکه طرفین اختلاف ، شیوه دیگری را بپذیرند.

امروزه اهمیت وجود منابع غذایی به ویژه ذخایر آبی بر همگان روشن است. علیرغم اینکه اینگونه منابع قابل تجدید نظر هستند ولی همیشگی نیستند و در صورت بهره برداری بی رویه و عدم تجدید ذخایر روبه نابودی خواهند رفت. ذخایر آبی میراث مشترک بشریت است و وظیفه حفاظت و مدیریت صحیح بر آنها به عهده دولتها، جوامع ماهیگیری، سازمانهای منطقه ای و بین المللی و نیز سازمانهای غیردولتی می باشد.

کشورهایی که از نقطه نظر منابع آبی در وضعیت مناسبی به سر می برند و کشورهای صاحب تکنولوژی بایستی در بهره برداری معقولانه از ذخایر آبی در چارچوب مقررات مندرج در کنوانسیونها و موافقتنامه های منعقد شده همکاری نمایند تا نسل آینده دچار بحران امنیت غذایی نشود.

در طول سه دهه اخیر ملل متحد به واسطه درک مشترک از حساسیت موضوع امنیت غذایی و توسعه پایدار، چارچوبه قانونی لازم را فراهم آورده و گامی موثر در راستای تدوین و توسعه حقوق بین الملل در زمینه حفاظت و مدیریت ذخایر آبی و محیط زیست دریایی برداشته است.

گرچه مسئله افزایش جمعیت و نیاز روز افزون به تامین غذا و حفاظت از منابع تجدیدشونده فعلی موجب می شود که جامعه بین المللی پویایی خود را در زمینه توسعه حقوق بین الملل حفظ نماید.

ضمناً توجه به برخی نکات ضروری است از جمله :

- 1- با توجه به تفاوت در سیاست گذاری ها و شرایط توسعه، اولویتها و جایگاه کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه در امر ماهیگیری ضروری است تا برای کشورهای در حال توسعه در رابطه با ماهیگیری در خلال کنوانسیونها و موافقتنامه های بین المللی محدودیتی به وجود نیاید.
- 2- هر چند تقویت سازمانهای منطقه ای و زیرمنطقه ای حائز اهمیت است ولی نبایستی این سازمانها اهرمی باشند برای کشورهایهایی که تاکنون بیسترتین سهم را از اقیانوسها و ذخایر آبی داشته اند.
- 3- محدودیت در سرمایه گذاری و یا کاهش ناوگان صیادی فقط متوجه کشورهایهایی شود که شناورهای بزرگ صیادی فراوانی در آبهای آزاد دارند.
- 4- ارائه کمکهای فنی و مالی به کشورهای در حال توسعه در راستای اجرای مفاد موافقتنامه ها و برنامه های ملی از سوی کشورهای توسعه یافته ضروری است.

امید است با عملکرد صحیح در زمان حال شاهد کاهش صید بی رویه و تخریب ذخایر تجدید شونده، حفاظت و مدیریت صحیح بر ذخایر آبی، افزایش امنیت غذایی و اشتغالزایی برای نسل های آینده باشیم و به مسئولیت خطیر خود در قبال آنها به نحو صحیح عمل نماییم. ش /

- 1- کنوانسیون 1982 حقوق دریاها ، ترجمه وزارت امور خارجه ج.ا.ایران ، 1378
- 2- موافقتنامه 1995 ملل متحد در زمینه حفاظت و مدیریت ذخایر ماهیان دوکاشانه ای ومهاجر بزرگ ، گزارش آقایان دکتر جمشید ممتاز و دکتر سید حسین عنایت ، 1374
- 3- آیین نامه ماهیگیری مسئولانه ، ترجمه خدیوی نیا مقدم ، مجید ، انتشارات سازمان فائو ، 1375
- 4- موافقتنامه تاسیس کمیسیون تون ماهیان اقیانوس هند ، ترجمه اداره کل امور بین الملل شیلات ایران ، انتشارات سازمان فائو ، 1375
- 5- کتاب حقوق بین الملل دریاها ، ترجمه دکتر بهمن آقایی ، انتشارات کتابخانه گنج دانش ، تهران ، 1377
- 6- کتاب مجموعه قوانین و مقررات شیلات و آبزیان ، انتشارات اداره کل حقوقی شیلات ایران ، 1376
- 7- کتاب مروری بر آبی پروری جهانی ، انتشارات سازمان فائو ، رم ، 1998
- 8- کتاب آماری کمیسیون تون ماهیان اقیانوس هند ، انتشارات سازمان فائو ، دبیرخانه کمیسیون تون ماهیان اقیانوس هند ، سیشل ، 1997
- 9- گزارش نتایج کنفرانس ریو ، ترجمه دفتر برنامه عمران ملل متحد در تهران ، 1373
- 10- پایگاه اطلاع رسانی بولتن مذاکرات زمین
- 11- مصاحبه با آقایان دکتر فرهاد کیمرام و دکتر تورج ولی نسب پوری ، محققین موسسه تحقیقات شیلات ایران

منبع : سایت شیلات ایران